

خانواده، جامعه، جهان

نگاهی به جامعه‌شناسی تربیت اخلاقی



دکتر فربرز بیات
سردبیر رشد آموزش علوم اجتماعی

تربیت اجتماعی

هر فرد با تولدش وارد جهان اجتماعی می‌شود. از چنین منظری، به‌طور کلی می‌توان گفت: «تربیت اجتماعی آشنایی با مفاهیم زندگی گروهی و مزایا و محدودیت‌های آن و شناخت گروه‌های اجتماعی (خانواده، جامعه و جهان) و ارزش‌ها و معیارها و قوانین حاکم بر آن‌هاست (شکوهی، ۱۳۹۴: ۴۷). از منظری دیگر، «تربیت اجتماعی عبارت است از آماده کردن تدریجی افراد و جوامع برای زندگی مبتنی بر دوستی و همکاری به‌منظور رفع نیازهای مادی و رسیدن به سعادت معنوی در جامعه‌ی جهانی سرشار از صلح و عدالت، از طریق توجه همه‌جانبه و واقع‌بینانه به ویژگی‌های نوع بشر، و تعدیل، اصلاح و هدایت غرایز درونی او و سپردن کنترل اعمال و رفتارش به دست مراقبان درونی» (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۳۰ به نقل از علیشاهی، ۱۳۹۴: ۸۰-۶۷).

تربیت اجتماعی به فرایند اجتماعی بودن آدمی ناظر است. از این رو، هر تصویری در باب اجتماعی بودن، تعیین‌کننده‌ی ماهیت، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی است (باقری، ۱۳۸۶). تربیت اجتماعی به معنی اجتماعی کردن افراد، فراگیری مهارت‌های اجتماعی، تربیت شهروندی مؤثر، توانایی به‌کارگیری زبان برای تفهیم و تفاهم با دیگران، کسب صلاحیت‌های اجتماعی برای زندگی در جمع و سازگاری با جامعه است. (سیاح کوکیانی، ۲۰۰۹).

تربیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف نظام‌های تعلیم و تربیت در همه‌ی ادوار تاریخ بوده است. تربیت اجتماعی و اهمیت آن اجماع همه‌ی صاحب‌نظران تربیتی و اجتماعی را برانگیخته است و کمتر صاحب‌نظری رامی‌توان سراغ گرفت که نسبت به اهمیت چنین مسئله‌ای مردد باشد. در اکثر اسناد و متون تربیتی و پرورشی، و نیز برنامه‌های راهبردی آموزش و پرورش، بر ضرورت این موضوع تأکید شده و بخش‌ها و موادی به آن اختصاص یافته‌اند. از آنجا که ابتدایی دوران شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و اخلاقی کودک است، رویکرد اصلی بسیاری از نظام‌های تعلیم و تربیت در این دوره، تربیت اجتماعی و اخلاقی است؛ به‌طوری‌که گروهی از کشورها در برنامه‌های خود در دوره‌ی ابتدایی، تربیت اجتماعی را بر آموزش دانش اولویت داده‌اند. حتی برخی کشورها کل این دوره یا سه سال اول آن را به‌طور کامل به تربیت اجتماعی و اخلاقی اختصاص داده‌اند و از آموزش دانش پرهیز می‌کنند. با وجود این، به نظر می‌رسد در نظام تعلیم و تربیت ما رویکرد آموزش دانش در اولویت است و تربیت اجتماعی مورد کم‌توجهی واقع شده یا آنچه با چنین عنوانی ارائه می‌شود، فردگرایانه، نخبه‌گرایانه و آرمانی، و به‌طور کلی کم‌اثر و مغشوش است. طوری که می‌توان گفت، نظام تعلیم و تربیت تک‌ساحتی است و آموزش بدون پرورش و تربیت اجتماعی را دنبال می‌کند. این مقالات تلاش می‌کند چپستی و چرایی این مفهوم را بررسی کند و درباره‌ی عواقب و پیامدهای آن برای نظام تعلیم و تربیت و حتی کل نظام اجتماعی هشدار دهد.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی، تعلیم و تربیت

به طور ساده تر می توان گفت: اینکه یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ (ارزش ها و هنجارهای آن) انطباق می یابد (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۳۰۵). در کتاب جامعه شناسی آموزش و پرورش آمده است: اجتماعی شدن عبارت است از «همسازی و هممنوایی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی». به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که فرد به واسطه ی آن دانش و مهارت های لازم اجتماعی را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می کند (علاقه بند، ۱۳۷۳: ۱۰۶).

گیدنز تا حدودی تعریف متمایزی از اجتماعی شدن ارائه می دهد. به نظر او، اجتماعی شدن نوعی «برنامه ریزی فرهنگی» نیست که در آن کودک تأثیراتی را که با آن ها برخورد می کند به طور انفعالی جذب کند. گیدنز اجتماعی شدن را فرایندی می داند که طی آن کودک ناتوان، به تدریج به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه های آن فرهنگی تبدیل می شود که در آن متولد شده است (گیدنز، ۱۳۷۹: ۸۶).

از تعریف های بالا استنباط می شود: تربیت اجتماعی معادل جامعه پذیری یا اجتماعی شدن است و طی چنین فرایندی، «ارزش های اجتماعی» در فرد درونی می شوند. اکنون این پرسش خودنمایی می کند که ارزش های اجتماعی چیست؟ ارزش های اجتماعی مجموعه ای آرمانی هستند درباره ی آنچه درست و نادرست، شایسته یا ناشایست، مطلوب یا نامطلوب، و خوب یا بد است و برای هر جامعه ای مورد نیاز، محترم و مطلوب تلقی می شود، مانند نجابت، درستکاری، شرافت، احترام به حقوق دیگران و تقوا (ستوده، ۱۳۸۹: ۲۹). چنین ارزش هایی از دوام و ثبات برخوردارند. چلبی در اشاره به این ویژگی ارزش های اجتماعی می نویسد: ارزش هایی که در حوزه های اجتماعی و فرهنگی وجود دارند، در مقابل تغییر پایدارتر و مقاوم ترند، بیشتر جنبه ی ماهوی و اظهاری دارند و مصرف آن ها در روابط اجتماعی باعث افزایش و تکثیر آن ها در جامعه می شود؛ ارزش هایی مثل عزت، احترام، معرفت، اعتماد و صداقت (چلبی، ۱۳۸۵: ۶۰).

ادامه دارد...

در مجموع، از دیدگاه بیشتر صاحب نظران تربیتی و علوم اجتماعی، تربیت اجتماعی با «جامعه پذیری و اجتماعی شدن» مترادف است. جامعه پذیری یا اجتماعی شدن از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است. (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴۲). در جامعه شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق می شود که در آن افراد ویژگی هایی کسب می کنند که شایسته ی عضویت آن ها در جامعه است (اسکروتن، ۲۰۰۷: ۶۴۹). ریمون آرون معتقد است: «جامعه پذیری فرایندی است که از طریق آن احترام به قوانین، فرمان های اجتماعی، ممنوعیت ها و تکالیفی که زندگی اجتماعی بدون آن ها ناممکن است، در وجود انسان نقش می بندد (آرون، ۱۳۷۰: ۴۰۳). از نظر مرتن، جامعه پذیری فرایندی است که افراد طی آن ارزش ها، هنجارها، دانش و مهارت لازم را برای زیست در یک اجتماع به دست می آورند» (بیرچر، ۲۰۱۲).

اجتماعی شدن

آن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، اجتماعی شدن را فرایندی روانی - اجتماعی تعریف می کند که بر پایه ی آن شخصیت اساسی فرد تحت تأثیر محیط، و به خصوص نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی، شکل می یابد. (آن بیرو، ۱۳۷۰: ۳۶۳).

چلبی معتقد است، شرط بقای هر جامعه، یگانگی اجتماعی است. از این رو، هر جامعه ای می کوشد تا از طریق جامعه پذیری، اعضای خود را با هنجارها و ارزش های اجتماعی آشنا کند و به آن ها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه ای که در آن به سر می برند، زندگی کنند (چلبی، ۱۳۸۵).